

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی **رهیافت**

سال چهاردهم، شماره ۵۲، پاییز ۱۳۹۹
صفحه ۱۶۳ تا ۱۸۲

چالش‌های اعمال سازمان‌های بین‌المللی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

حامد احمدنیا / دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان،

ایران h.ahmadnia.61@gmail.com

محمود جلالی / دانشیار گروه حقوق دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، نویسنده مسئول m.jalali@ase.ui.ac.ir

علیرضا آرش پور / دانشیار گروه حقوق دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران a.arashpour@ase.ui.ac.ir

چکیده

امنیت ملی ج.ا.ایران از جهت تأثیرپذیری و تأثیرگذاری بر سازمان‌های بین‌المللی، دارای ابعاد خارجی نیز می‌باشد و از اعمال سازمان‌های بین‌المللی نیز تأثیر می‌پذیرد. پژوهش حاضر درصدد بررسی ارتباط میان اعمال سازمان‌های بین‌المللی و امنیت ملی در ج.ا.ایران است. سؤالی که مطرح می‌شود اینکه: اعمال سازمان‌های بین‌المللی از چه طریقی بر امنیت ملی ج.ا.ایران اثر می‌گذارد؟ پاسخی که می‌توان ارائه نمود این است که دولت‌های مختلف پس از انقلاب اسلامی هر کدام تفسیر خاصی از جایگاه سازمان‌های بین‌المللی ارائه داده‌اند که به نوبه خود بر امنیت ملی ج.ا.ایران نیز اثرگذار است. دو رویکرد ضدیت و تعامل با اعمال سازمان‌های بین‌المللی از مهم‌ترین رویکردهای موجود پس از انقلاب اسلامی به شمار می‌روند. ضمن اینکه ج.ا.ایران به دلایلی همچون تعریفی جدید از حقوق و مسؤولیت‌ها، سیاست‌ورزی و حکومت‌داری و همچنین گرایش فرامرزی به مسائل انسانی و جهانی، اعمال سازمان‌های بین‌المللی را با رویکرد انتقادی و احتیاطی دنبال می‌کند که نشانگر عدم تعریف از امنیت ملی و عدم وحدت نظر در ارتباط با اعمال سازمان‌های بین‌المللی است. هرچند رویکرد انتقادی نسبت به این سازمان‌ها نشانگر رویکرد متمایز و جدیدی است. روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای است.

کلیدواژه: اعمال سازمان‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، امنیت ملی،

ج.ا.ایران، نظام بین‌الملل.

تاریخ تأیید ۱۳۹۹/۰۶/۲۴

تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۳/۰۳

مقاله برگرفته از رساله دکتری آقای حامد احمدنیا می‌باشد.

مقدمه

سازمان‌های بین‌المللی نقش مهمی در تصمیمات سیاسی در سطوح مختلف بر عهده دارند. بدین معنا که آثار تصمیمات آنها در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی هدایتگر بخش مهمی از تصمیمات دولت‌ها به‌عنوان مهم‌ترین بازیگران صحنه نظام بین‌الملل است. از این منظر، ممکن است مواضع و واکنش‌های گوناگونی نسبت به تصمیمات آنها در سطح جهان وجود داشته باشد. بازیگران سیاسی که بیش از همه در معرض چنین تصمیماتی قرار دارند، از منظر حقوقی و سیاسی، اهداف متنوع خود را دنبال می‌کنند. با توجه به این موضوع، در نظام حقوق بین‌الملل، شخصیت حقوقی سازمان‌های بین‌المللی به رسمیت شناخته شده و در پرتو این شخصیت بین‌المللی، این نهادها قادرند همچون دولت‌ها برای دستیابی به اهداف خود به فعالیت بپردازند. در راستای انجام فعالیت‌هایی، سازمان‌های بین‌المللی ممکن است همانند دولت‌ها، سبب ورود خسارت به دیگر تابعان حقوق بین‌الملل شوند؛ به همین جهت، یکی از مسائل اساسی که در ارتباط با فعالیت سازمان‌های بین‌المللی در نیم‌قرن اخیر توجه فراوانی به آن شده است مسئولیت ناشی از این فعالیت‌هاست. چرا که یکی از آثار اجتناب‌ناپذیر حضور مؤثر و فعالانه سازمان‌ها در جامعه بین‌المللی، مخاطراتی است که از این حیث متوجه حقوق دیگران می‌شود.

در حالی که از زمان پیدایش نخستین سازمان‌های بین‌المللی تا سالیان متمادی در حقوق بین‌الملل رویه بر این بوده است که سازمان‌های بین‌المللی به‌واسطه‌ی دارا بودن شخصیت حقوقی مستقل، فقط خود در قبال اعمالشان مسئولیت بین‌المللی دارند اما در نیم‌قرن اخیر، این رویه توسط برخی از حقوقدان و قضات به چالش کشیده شده؛ به طوری که تحت تأثیر این دیدگاه‌ها کمیسیون حقوق بین‌الملل در طرح پیش‌نویس کنوانسیون مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی (۲۰۱۱) مسئولیت دولت‌ها در قبال اعمال متخلفانه سازمان را مورد شناسایی قرار داده است. در فرایند تدوین طرح مذکور، موضوع مسئولیت دولت‌های عضو سازمان‌های بین‌المللی در قبال اعمال سازمان از دو جهت مورد توجه قرار گرفت؛ نخست، ناظر به موردی است که یک دولت به‌صرف عضویت در سازمان بین‌المللی در قبال اعمال آن سازمان مسئول باشد هرچند که در ارتکاب آن اعمال هیچ نقشی نداشته باشد؛ این نوع مسئولیت که به مسئولیت ثانوی موسوم است در فرایند تدوین طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی (با این توجیه که باشخصیت حقوقی و استقلال سازمان‌های بین‌المللی، مغایر می‌باشد)، طرفداران چندانی نداشته است و با شرایط خاص و محدودی پذیرفته شده است.

این در حالی بود که مسئولیت ثانوی در میان حقوقدانان و قضات، طرفداران جدی فراوانی داشت. در مقابل، مورد دوم به وضعیتی توجه دارد که در آن، دولت عضو خود نیز به نوعی در ارتکاب عمل متخلفانه نقش ایفا کرده باشد. این نوع مسئولیت برای دولت‌ها در طرح مواد مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی (۲۰۱۱) پذیرفته شده و منشأ آن رفتار ارتكابی از سوی دولت‌ها (از جمله کمک یا مساعدت، هدایت و کنترل، اجبار، شانه خالی کردن یک دولت عضو از یک تعهد بین‌المللی، پذیرش مسئولیت و ارتکاب رفتار موجب اتکای ثالث) است. بر همین اساس پژوهش حاضر درصدد است تا به بررسی چالش‌های اعمال سازمان‌های بین‌المللی و نسبت آن با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، به مواضع و رویکردهای دو طرف پردازد. به عبارتی دیگر، بررسی رویکرد متفاوت ج.ا.ایران نسبت به مسائل مختلف اعم از حوزه نفوذ آرمان‌ها و ارزش‌ها، تعریف حقوق بشر، اهداف سیاست و سیاست‌ورزی که ممکن است در تقابل با رویکرد سازمان‌های بین‌المللی نیز تلقی شود، به عنوان بخش مهمی از پژوهش حاضر در نظر گرفته می‌شود. بر این اساس، آنچه مهم است اینکه چالش‌های اعمال سازمان‌های بین‌المللی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران کدام هستند؟ به عبارتی دیگر، نحوه مواجهه جمهوری اسلامی ایران با سازمان‌های بین‌المللی چگونه است و این مسأله به چه نحو بر امنیت ملی کشور ایران اثرگذار است.

پیشینه تحقیق

برخی تحقیقات داخلی به بررسی نسبت امنیت ملی ج.ا.ایران و سازمان‌های بین‌المللی پرداخته‌اند که به مهم‌ترین آنان اشاره می‌شود:

سلطانی‌نژاد و داوند (۱۳۹۷)، در مقاله «راهکارهای کاهش تهدیدات سازمان‌های غیردولتی حقوق بشری علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات» به این مسأله اشاره می‌کنند که سازمان‌های غیردولتی در سطح جهان با برجسته کردن مسائلی مانند حقوق بشر، حقوق همجنس‌بازان، تحریک قومیت‌ها و ... درصدد برهم زدن امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران هستند. راهکاری که نویسندگان ارائه می‌کنند، فعالیت مؤثر سازمان‌هایی از جمله وزارت خارجه با تکیه بر دیپلماسی عمومی است. رستم عیدی‌پور و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله «تحلیل مبانی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در پرتو مؤلفه قدرت نرم‌افزاری»، به ابعاد معنوی مردمسالاری در نظام جمهوری اسلامی ایران اشاره می‌کند که بر پایه عناصر دینی بنا نهاده شد و امروزه به عنوان مبانی امنیت ملی ج.ا.ایران شناخته می‌شود. نظام مردمسالاری دینی و توأمانی دین و سیاست جلوه بارز

سیاست‌ورزی در ج.ا.ایران است. پوراحمدی و معتمدی امین (۱۳۹۴)، در مقاله «جایگاه سازمان ملل متحد در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» به سیر تحول نگرش جمهوری اسلامی ایران به سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل اشاره می‌کنند. بر اساس دیدگاه نویسندگان، سال ۱۳۹۲ و شروع دولت اعتدال می‌تواند رویکرد جدیدی مبتنی بر گفت‌وگو میان جمهوری اسلامی ایران و سازمان ملل متحد تلقی شود. متقی (۱۳۸۹)، در مقاله «گونه‌شناسی تهدیدهای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» به تهدیدات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بر علیه نظام جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد و بر این عقیده است که تهدید امنیت ملی کشورهای انقلابی همانند ایران امری طبیعی است. زیرا فشار ناشی از تغییرات باعث مخالفت‌های داخلی و منطقه‌ای می‌گردد. نویسنده پیشنهاد می‌کند که هم-افزایی توان داخلی راهی برای غلبه بر تهدیدات امنیتی است.

پژوهش‌های بالا هر کدام به نحوی به مسأله امنیت ملی ج.ا.ایران می‌پردازند، اما آنچه پژوهش حاضر مدنظر دارد، رویکردی نو نسبت به اعمال سازمان‌های بین‌المللی و چالش‌هایی است که برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ایجاد می‌کنند.

روش تحقیق

روش مورد استفاده در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است که با شیوه بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی نسبت به جمع‌آوری اطلاعات اقدام نموده است. بهره‌گیری از منابع و اسناد بین‌المللی، قانون اساسی جمهوری اسلامی، کتب، مقالات و پژوهش‌های مرتبط با نقش سازمان‌ها و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به عنوان بخش‌های مهمی به عنوان منابع اصلی در دستور کار قرار گرفته است.

مبانی نظری تحقیق؛ اعمال سازمان‌های بین‌المللی

از جمله موضوعات چالش‌برانگیزی که در فرایند تدوین این طرح، مباحث فراوانی را میان حقوق‌دانان، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به دنبال داشته است، موضوع «مسئولیت یک دولت در ارتباط با رفتار یک سازمان بین‌المللی» بوده است که بخش پنجم طرح مواد مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی (مواد ۵۸ تا ۶۳) به آن اختصاص یافته است؛ چراکه از زمان پیدایش نخستین سازمان‌های بین‌المللی تا سالیان متمادی نظر غالب بر آن بود که سازمان‌های بین‌المللی به‌واسطه‌ی دارا بودن شخصیت حقوقی مستقل، فقط خود در قبال اعمالشان مسئولیت بین‌المللی دارند و مسئولیت دولت‌ها برای اعمال سازمان‌ها، با شخصیت حقوقی مستقل سازمان‌های بین‌المللی مغایرت دارد. با این حال، طرح مذکور برای شناسایی مسئولیت

دولت‌ها در ارتباط با رفتار سازمان، ارتکاب برخی اعمال از سوی دولت‌ها را لازم دانسته است. بر اساس بخش پنجم طرح، این اعمال را می‌توان به دو گروه تقسیم نمود؛ گروه نخست، اعمالی هستند که می‌تواند توسط هر دولتی اعم از دولت‌های عضو و غیرعضو یک سازمان بین‌المللی ارتکاب یابند. گروه دوم، اعمالی هستند که لزوماً باید توسط دولت عضو یک سازمان بین‌المللی ارتکاب یافته باشند تا موجب تحقق مسئولیت آن دولت شوند. مقاله کنونی که با روش توصیفی و تحلیلی به بررسی مصادیق، مفهوم و دایره شمول این اعمال با ابتنای بر طرح مواد مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی (۲۰۱۱) به رشته تحریر درآمده است، به تبیین و تحلیل مسئولیت دولت‌ها در ارتباط با هر دو دسته اعمال مذکور خواهد پرداخت. بر این اساس در بخش نخست، اعمال قابل انتساب به دولت‌های عضو و غیرعضو سازمان بین‌المللی و در بخش دوم، اعمال قابل انتساب مختص به دولت‌های عضو بررسی می‌شود.

۱- اعمال قابل انتساب به دولت‌های عضو و غیرعضو سازمان

به موجب بخش پنجم طرح مواد مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی (۲۰۱۱)، یک دولت (عضو یا غیرعضو سازمان) باید در ارتکاب رفتار متخلفانه سازمان به نحوی کمک و مساعدت نموده یا به هدایت و کنترل سازمان پردازد و یا آنکه مبادرت به اجبار سازمان نماید تا مسئول تلقی گردد. در واقع در این سه حالت (حصری)، یک یا چند دولت، ممکن است در قالب این رفتارها به طور غیرمستقیم در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی از سوی سازمان، نقش داشته باشند. بر این اساس در این بخش به ترتیب به بررسی این رفتارها شامل: الف- کمک و مساعدت؛ ب- هدایت و کنترل و پ- اجبار، پرداخته می‌شود.

۱-۱- کمک و مساعدت^۱

مسئولیت ناشی از «کمک و مساعدت»، مهم‌ترین و فراگیرترین وضعیت مشمول مسئولیت دولت‌های عضو یا غیرعضو سازمان، قلمداد می‌شود (Aust, 2011: 192-193). ماده ۵۸ طرح مواد مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی (۲۰۱۱) با عبارت «کمک یا مساعدت یک دولت در ارتکاب یک عمل متخلفانه بین‌المللی توسط یک سازمان بین‌المللی» در این خصوص، بیان می‌دارد: ۱- دولتی که در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی به یک سازمان کمک می‌نماید یا در ارتکاب آن عمل مساعدت می‌نماید، در صورتی از جهت انجام چنین کاری مسئول خواهد بود که: الف) دولت مذکور با علم به اوضاع و احوال عمل متخلفانه بین‌المللی مبادرت

به انجام این کار کند؛ و ب) اگر خود دولت مذکور نیز آن عمل را انجام می‌داد آن عمل به لحاظ بین‌المللی متخلفانه محسوب می‌شد. ۲- عمل دولت عضو یک سازمان بین‌المللی که مطابق با قواعد آن سازمان انجام شود، به موجب مفاد این ماده باعث تحقق مسئولیت بین‌المللی آن دولت نمی‌شود. در راستای تشریح مفاد این ماده در این قسمت به تبیین مفهوم، مصادیق و شرایط تحقق مسئولیت دولت در فرض کمک یا مساعدت پرداخته می‌شود.

۱-۱-۱- مفهوم و مصادیق

مفهوم کمک و مساعدت در ارتکاب عمل متخلفانه به معنای هر رفتاری است که ارتکاب عمل متخلفانه را آسان‌تر نموده یا وقوع آن را تقویت نماید. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که آیا شکل این عمل که در واقع عنصر مادی تحقق مسئولیت دولت است، در تعیین مسئولیت دولت تأثیرگذار است؟ پاسخ به این سؤال از آن جهت حائز اهمیت است که در بیشتر نظام‌های حقوقی داخلی همچون نظام حقوقی انگلستان، از یک سو، هر کمک یا مساعدتی را نمی‌توان مصداق کمک یا مساعدت به‌عنوان عنصر مادی معاونت در جرم دانست و از دیگر سو، در بیشتر موارد عمل یا رفتار مادی معاونت باید به صورت فعل مثبت باشد و ترک فعل، مصداق کمک یا مساعدت محسوب نمی‌شود (عزیزی و کریمی، ۱۳۹۵: ۷۰).

در پاسخ به این سؤال می‌توان بیان داشت: ظاهر ماده ۵۸ طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی (۲۰۱۱) دلالت بر آن دارد هیچ‌گونه محدودیتی در شکل و چگونگی کمک یا مساعدت وجود ندارد (Lanovoy, 2014: 144)؛ در نتیجه کمک یا مساعدت می‌تواند به صورت مالی یا غیرمالی باشد. کمک غیرمالی می‌تواند به شکل نظامی (مانند تأمین تسلیحات) و یا سیاسی (استفاده دولت از نفوذ بین‌المللی خود برای وقوع تخلف از سوی سازمان) باشد (Lanovoy, Ibid: 144). با این حال در مورد مصادیق کمک‌های مالی اختلاف وجود دارد؛ زیرا برخی از سازمان‌های بین‌المللی، اعطای کمک‌های مالی (مانند اعطای وام) را فقط زمانی از مصادیق کمک و مساعدت موجب تحقق مسئولیت دولت قلمداد نموده‌اند که فقط به منظور ارتکاب یک رفتار متخلفانه اختصاص یافته باشد و کمک مالی با هدف پشتیبانی از سازمان در مواجهه با مشکلات اقتصادی را به این دلیل که یک عامل تعیین‌کننده در ارتکاب یک رفتار متخلفانه نیست، موجب مسئولیت بین‌المللی ندانسته‌اند.

(ILC, Comment and observations received from International Organizations, 2007: 22).

علاوه بر این در خصوص اینکه آیا رکن مادی کمک یا مساعدت به سازمان بین‌المللی، شامل ترک فعل نیز می‌شود باید گفت: اگرچه ماده ۴ طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی، عمل متخلفانه یک سازمان بین‌المللی را شامل فعل و ترک فعل دانسته است اما طرح مذکور در خصوص کمک یا مساعدت ناشی از ترک فعل ساکت است؛ به همین جهت برخی از نویسندگان در این خصوص بیان داشته‌اند: نباید ترک فعل به‌عنوان رکن مادی کمک یا مساعدت تفسیر شود؛ چراکه عموماً کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد این موضوع ساکت بوده است. بنابراین کمک یا مساعدت، ناظر بر افعال مثبت است و صرف ترک فعل برای اثبات مسئولیت دولت کافی نیست (حدادی و ستایش‌پور، ۱۳۹۷: ۱۵۷-۱۵۶).

۱-۱-۲- شرایط تحقق کمک و مساعدت مسئولیت آور

با استنباط از ماده ۵۸ کمک و مساعدت با اجتماع سه شرط، مسئولیت دولت را به همراه دارد؛ شرط نخست، ارتکاب عمل با علم به اوضاع و احوال است. مفهوم دقیق این شرط که بیانگر رکن ذهنی رفتار کمک یا مساعدت است، توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل، مشخص نشده است؛ به همین جهت در خصوص این شرط ابهاماتی وجود دارد؛ به‌عنوان مثال، مشخص نیست که آیا برای تحقق مسئولیت، دولت مساعدت‌کننده باید آگاه باشد از اینکه قرار است دقیقاً چه رفتار متخلفانه‌ای از سوی سازمان، رخ دهد یا صرف اطلاع از وقوع تخلف کفایت می‌کند. در خصوص این ابهام به نظر می‌رسد همین که دولت کمک‌کننده آگاه باشد که کمک یا مساعدت وی موجب تسهیل در ارتکاب یک عمل متخلفانه بین‌المللی خواهد شد کافی خواهد بود و لازم نیست نوع عمل متخلفانه برای دولت کمک یا مساعدت‌کننده به‌طور دقیق مشخص باشد. اطلاق ماده ۵۸ مؤید این نظر بوده و دلالت بر آن دارد، همین که اوضاع و احوال نشان دهد علم به ارتکاب عمل متخلفانه وجود دارد برای تحقق مسئولیت دولت، کافی است؛ البته تشخیص آگاهی از اوضاع و احوال، موضوعی است که در هر مورد نیاز به بررسی موردی دارد و باید با توجه به اوضاع و احوال و قراین موجود، قصد واقعی از کمک و مساعدت کشف گردد؛ به همین جهت بوده است که گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل، «جورجیو گایا»، خاطر نشان ساخته است: ارزیابی اینکه آیا کمک یا معاونت اتفاق افتاده، بیشتر به محتوای تعهد نقض شده و اوضاع و احوال بستگی دارد (Gaja, 2004: 46).

شرط **دوم**، متخلفانه بودن صرف انجام عمل برای دولت است. منظور از این شرط آن است که عمل دولت علاوه بر عمل سازمان بین‌المللی باید فی‌نفسه یک رفتار متخلفانه بین‌المللی محسوب شود؛ در واقع، در چنین مواردی مسئولیت دولت در درجه نخست به خاطر عمل متخلفانه خودش است (Gajja, 2003: 32). با این حال، این عمل نباید به گونه‌ای باشد که وصف مباشرت یابد؛ چرا که در فرض اخیر، مسئولیت مستقیم و مستقل آن دولت را به دنبال خواهد داشت. سومین شرط نیز عدم مطابقت عمل دولت با قواعد آن سازمان است. طبق بند ۲ ماده ۵۸ طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی، «عملی که دولت عضو یک سازمان بین‌المللی مطابق با قواعد همان سازمان انجام داده، موجب تحقق مسئولیت بین‌المللی آن دولت بر اساس مقررات پیش‌نویس این ماده نمی‌شود». همانطور که مشاهده می‌شود این بند، مختص به دولت‌های عضو سازمان بین‌المللی بوده و مفهوم مخالف آن، این است که دولت عضو یک سازمان بین‌المللی تنها در صورتی که کمک یا مساعدت وی به سازمان، مطابق با قواعد سازمان نباشد در خصوص اعمال سازمان، مسئولیت خواهد داشت. بر این اساس اگر دولت عضو سازمان بین‌المللی مطابق با قواعد سازمانی که به عضویت آن درآمده است به آن سازمان، کمک یا مساعدت کرده باشد، مسئولیت نخواهد داشت؛ به‌عنوان مثال، رای مثبت دولت عضو یک سازمان بین‌المللی به تصمیم زیانباری که از سوی آن سازمان اتخاذ می‌شود، اگر چه مصداقی از مساعدت در ارتکاب عمل متخلفانه از سوی سازمان است، اما موجب تحقق مسئولیت آن دولت نمی‌شود؛ زیرا شرکت در رأی‌گیری مطابق با قواعد سازمان برای آن دولت عضو به رسمیت شناخته شده بود.

۱-۲- هدایت و کنترل^۱

ماده ۵۹ طرح مواد مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی (۲۰۱۱) با عنوان «هدایت و اعمال کنترل یک دولت بر ارتکاب یک عمل متخلفانه بین‌المللی توسط یک سازمان بین‌المللی»، مقرر می‌دارد: ۱- یک دولت که یک سازمان بین‌المللی را در ارتکاب یک عمل متخلفانه بین‌المللی هدایت کرده یا بر آن اعمال کنترل می‌نماید، در صورتی در قبال آن عمل مسئول خواهد بود که: الف) دولت مذکور با علم به اوضاع و احوال عمل متخلفانه بین‌المللی مرتکب آن رفتار شود؛ و ب) اگر خود دولت مذکور نیز آن عمل را انجام می‌داد، آن عمل به لحاظ

بین‌المللی متخلفانه محسوب می‌شود؛ ۲- عمل دولت عضو یک سازمان بین‌المللی که مطابق با قواعد آن سازمان انجام شود، موجب تحقق مسئولیت بین‌المللی آن دولت نمی‌شود». در جهان امروز، بیش از هر زمان دیگر، جامعه بین‌المللی نیاز دارد که اختلافات خود را از راه‌های مسالمت‌آمیز حل کند، زیرا که جنگ، نظم جامعه بین‌المللی را مختل می‌کند، بویژه که پیشرفت دانش بشر در زمینه ساخت سلاح‌های کشتار جمعی به اوج خود رسیده است. بنابراین به همین دلیل است که تعهد اعضای جامعه بین‌المللی به حل اختلافات از طریق مسالمت‌آمیز به صورت یک قاعده عرفی در آمده است. این قاعده در ماده (۳) ۲ منشور ملل متحد بیان شده است. در این ماده چنین آمده: «کلیه اعضای اختلافات بین‌المللی خود را از راه‌های مسالمت‌آمیز به صورتی که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت به خطر نیفتد، حل و فصل خواهند کرد».

نیز در ماده (۱) ۳۳ منشور ملل متحد آمده: «طرفین هر اختلاف که ادامه آن ممکن است حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر اندازد، باید قبل از هر چیز از طریق مذاکره، میانجی‌گری، سازش، داوری، رسیدگی قضائی و توسل به نهادها و ترتیبات منطقه‌ای یا سایر وسایل مسالمت‌آمیز بنابه انتخاب خود در صدد جستجوی راه‌حلی برای آن اختلاف باشند».

۳-۱- گسترش و پیشرفت حقوق بین‌الملل

صلاحیت اجباری دیوان مانع تعرض دولت‌ها به قواعد حقوق بین‌الملل می‌باشد. در حقوق داخلی، هنگامی که قانون نقض می‌شود و این نقض موجب ایراد ضرر به شخص می‌شود، وی برای مطالبه ضرر و محکومیت متخلف به دادگاه مراجعه کند، دادگاه رسیدگی می‌کند و نهایتاً متخلف را محکوم به پرداخت خسارت می‌کند. حکم دادگاه دارای ضمانت اجرا است و قدرت دولت، حکم صادره را به مرحله اجرا در می‌آورد. اما در عرصه بین‌المللی، کشورها دارای استقلال هستند، بنابراین هیچ قاعده‌ای را نمی‌توان به کشوری تحمیل کرد. با وجود این زمانیکه دولت‌ها صلاحیت دیوان را می‌پذیرد، در واقع آنان به اجرای قواعد حقوق بین‌الملل در اختلافات خود گردن می‌نهند و در حقیقت خود را در موقعیت بازدارنده یا برنده قرار می‌دهند. پذیرش صلاحیت دیوان بدین معنی است که آنان به خطری که پذیرفته‌اند آگاهند و خود را برای مقابله و مواجهه با آن آماده کرده‌اند (HAMBRO, 1980: 134).

۳- امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و سازمان‌های بین‌المللی

۳-۱. جمهوری اسلامی و همکاری با به سازمان‌های بین‌المللی

امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران علاوه بر ابعاد داخلی، دارای جنبه‌های بیرونی و تعاملی با بازیگران و نهادهای بین‌المللی است. از این جهت، اصل تعامل و همکاری با قدرت‌های خارجی به عنوان یکی از محورهای تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفته می‌شود. این بُعد از همکاری باعث مسؤلیت‌پذیری دولت جمهوری اسلامی ایران در سطح جهانی می‌شود. به نظر می‌رسد این یک نمونه خاص از قاعده حقوق بین‌الملل عرفی باشد که اگر دولت رفتاری را تأیید و قبول کند، رفتار به دولت قابل انتساب است. انتسابی که بر این اساس صورت می‌گیرد صرفاً به معنای تأیید شرایط موجود نیست، بلکه در این مورد دولت خود را با رفتار مورد بحث یکی دانسته و آن رفتار را از آن خود می‌داند؛ به عنوان مثال جمهوری اسلامی ایران، در «قضیه کارمندان دیپلماتیک و کنسولی»، برای اشغال سفارتخانه ایالات متحده آمریکا توسط دانشجویان انقلابی، مسؤل شناخته شد؛ زیرا با انتشار یک اعلامیه اعمال آنها را تأیید و تصدیق نمود.^۱ بر این اساس در این موارد، مسؤلیت دولت، نتیجه رفتارش در قبول عمل یا پذیرش مسؤلیت است و صرفاً ناشی از عضویت دولت در سازمان نیست (Stumer, 2007: 562-561). و به عضو بودن دولت در سازمان نیز ارتباطی ندارد.

همکاری و تعامل جمهوری اسلامی ایران با سازمان‌های بین‌المللی در جهت تأمین امنیت ملی، به عنوان ابعاد مسؤلیت‌پذیری دولت‌ها در سطح نظام بین‌الملل نیز شناخته می‌شود. دولت ایران، عضو بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی (جهانی، منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای) است و در حال حاضر هم خواستار عضویت در بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی همچون سازمان تجارت جهانی است. تسری مسؤلیت سازمان‌های بین‌المللی به دولت‌های عضو، ممکن است در مورد ایران به عنوان یک دولت عضو این سازمان‌ها و یا سازمان‌هایی که در آینده به عضویت آن‌ها درخواهد آمد، نیز اتفاق افتد. علاوه بر این، دولت ایران در زمینه‌های مختلف مانند تجارت (به‌ویژه از طریق حمل‌ونقل‌های دریایی و هوایی) و زمینه‌های فضایی، در فراتر از مرزهای ایران، فعالیت‌های مستمری دارد؛ حضور و فعالیت بیشتر در زمینه‌های مختلف در بیرون از مرزها، احتمال ورود خسارت به دولت‌ها را بیشتر می‌سازد؛ بنابراین چه‌بسا در برخی موارد دولت ایران به دنبال فعالیت‌های بیرون‌مرزی، از رفتار یک سازمان بین‌المللی، متحمل

1- U.S. Diplomatic and Consular Staff in Tehran (U.S. v. Iran), ICJ Reports, 1980, pp. 3, 35.

خسارت گردد، در این صورت نیز موضوع مراجعه دولت ایران به سازمان بین‌المللی مسئول و دولت‌های عضو آن مطرح خواهد شد. به همین جهت وجود دانش علمی کافی در این زمینه می‌تواند به دولت به‌عنوان متقاضی عضویت در سازمان‌های بین‌المللی و نیز به‌عنوان طرف ثالثی که می‌خواهد با یک سازمان بین‌المللی قرارداد منعقد کند، کمک نماید تا از عواقب و پیامدهای عمل خودآگاه بوده و در راستای تضمین منافع خود با آگاهی از قوانین موجود عمل نماید.

۲-۳. امنیت ملی ج.ا. ایران و رویکرد اجبار

مسئولیت‌پذیری سازمان‌های بین‌المللی می‌تواند با اجبار دولت‌ها و بازیگران سیاسی نیز ایجاد شود. از این جهت امنیت ملی بازیگران سیاسی در تقابل با سازمان‌های بین‌المللی تعریف می‌شود که البته مسئولیت‌پذیری آنان در ابعاد مختلف را نیز به دنبال دارد. این رویکرد از آن جهت در میان کشورهای مختلف رواج یافته است که نهادها و سازمان‌های بین‌المللی به‌عنوان ابزاری برای پیگیری منافع قدرت‌های بزرگ درآمده است. برای مثال، کارکرد شورای امنیت سازمان ملل - که بزرگ‌ترین و معتبرترین سازمان فراملی است - حاکی از آن است که این سازمان عملاً بازیچه کشورهای قدرتمند است و این کشورها برای منافع خود از آن استفاده می‌کنند و خود این سازمان فراملی هیچ نوع اختیاری ندارد. هر زمان که در این سازمان از منافع ملی کشورها سخن به میان می‌آید، کشورها براساس آن تصمیم می‌گیرند. برای نمونه، حمله آمریکا به عراق و افغانستان بدون توجه به موافقت شورای امنیت نمونه‌ای از تصمیم‌گیری کشورها بر اساس منافع ملی است (حافظ‌نیا و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۹-۴۸). بر این اساس، دولت‌های مختلف و منتقد در عرصه نظام بین‌الملل تلاش می‌کنند تا با وارد کردن فشار به بازیگران تأثیرگذار در عرصه نظام بین‌الملل، سیاست اجبار را به‌عنوان راهی برای پیگیری منافع ملی خود مورد استفاده قرار دهند.

سیاست اجبار علاوه بر اینکه ممکن است باعث تغییر رویه سازمان‌های بین‌المللی و گرایش آنان به سمت مسئولیت‌پذیری شود، می‌تواند منافع ملی بازیگران سیاسی نظیر جمهوری اسلامی ایران را نیز تأمین نماید. زیرا آنچه باعث تعریف متمایزی از امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با سایر بازیگران می‌شود، استقلال در برابر سایر بازیگران و همچنین انتقاد نسبت به رویه موجود در نظام بین‌الملل است. به نظر می‌رسد در میان متفکران اسلامی، ترس از این است که فرهنگ‌های مستقل و ضد جریان مسلط (لیبرال دموکراسی) در مواجهه

به آن دچار ضعف و شکست شوند. متفکران منتقد جریان مسلط از این مقوله با عنوان شبیه‌سازی نام می‌برند. سیاست شبیه‌سازی می‌کوشد گروه‌های اقلیت را در درون فرهنگ اکثریت (یا غالب)، جذب کند به گونه‌ای که آنان در آن فرهنگ ادغام شوند و جامعه یکپارچه گردد. البته این فرایند بیشتر از طریق دستگاه‌های معرفت‌ساز و ایدئولوژیک (همانند آموزش و پرورش، رسانه‌ها و...) انجام می‌شود (ایسمان، ۲۰۰۴: ۱۵۵). بنابراین نظام سیاسی مستقلی مانند جمهوری اسلامی ایران که استقلال سیاسی قابل توجهی در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی دارد، هم می‌تواند چالش‌های موجود در عرصه نظام بین‌الملل را مرتفع سازد و هم اینکه مسئولیت‌پذیری این سازمان‌ها را در عرصه‌های مختلف گوشزد نماید.

ضمن اینکه نباید از نقش فعالیت‌ها و کارکردهای ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران در زمینه ایجاد تنش با سازمان‌های بین‌المللی غفلت ورزید. زیرا به هر حال نفی اقتدار و سلطه قدرت‌های بزرگ و به چالش کشیدن قواعد بازی برای سایر بازیگران در عرصه‌های بین‌المللی و محدودسازی فعالیت آنان، باعث تقابل آنان با جمهوری اسلامی ایران شده است (پوراحمدی و معتمدی امین، ۱۳۹۳: ۳۵). به نظر می‌رسد بخش مهمی از این تحولات در راستای تغییرات مهمی است که گفتمان انقلاب اسلامی در حوزه‌های مختلف سیاسی و حقوقی، به ویژه حوزه امنیت ملی پدید آورده است. به همین دلیل است که برخی بر این عقیده هستند تهدیدات امنیت ملی در کشورهای انقلابی، امری گریزناپذیر است. به این دلیل که مطالبات داخلی و خارجی به موازات اهداف امنیتی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند امنیت کشورهای انقلابی را تحت تأثیر قرار دهد (متقی، ۱۳۸۹: ۲۳).

چالش دیگری که اعمال سازمان‌های بین‌المللی برای امنیت ملی ج.ا.ایران ایجاد می‌کند، مسأله فرامرزی بودن امنیت ملی جمهوری اسلامی است که خود نیز تحت تأثیر ایدئولوژی انسانی و اسلامی است. بدین معنا که انقلاب اسلامی ایران از همان ابتدا مرزهای امنیتی خود را از محدود جغرافیایی فراتر برده است (عیدی‌پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۹). این رویکرد به خوبی در اندیشه امام خمینی (ره) نیز بیان شده است که می‌فرماید: «ما می‌خواهیم معنویت انقلاب اسلامی مان را به همه جهان صادر کنیم» (امام خمینی، ج ۱۳، ص ۹۲). همین رویه نشان می‌دهد که تلقی امنیت از نظر گفتمان انقلاب اسلامی و سازمان‌های بین‌المللی، تفاوت‌های عمیق و گسترده‌ای با یکدیگر دارند.

بدین ترتیب، تعریف امنیت ملی هرچند به ساکنان سرزمین ایران اطلاق می‌شود، اما هرگز محدود به مرزهای داخلی نیست و رویکردی جهانی و منطقه‌ای را نیز دنبال می‌کند. زیرا به تعبیر امام خمینی (ره) که می‌فرماید:

«امیدواریم... که این انگیزه‌های الهی و اسلامی در همه نقاط جهان متحقق بشود» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۶، ص ۱۷۴). حال آنکه در قواعد بین‌المللی، دولت یک نهاد حقوقی است که با پذیرش قواعد بین‌المللی دارای یک قانون اساسی مشخص است که نمی‌تواند نسبت به امنیت سایر کشورها و نظام‌های سیاسی، نقشی داشته باشد. در واقع این دولت با عضویت در سازمان بین‌المللی ای که مقرر آن مغایر با دیگر تعهدات بین‌المللی دولت بوده، به هیچ‌وجه نمی‌تواند و نباید از تعهدات بین‌المللی خود بگریزد یا از آن طفره برود (حدادی و ستایش‌پور، ۱۳۹۷: ۱۵۹).

درباره امنیت ملی باید گفت که یکی از مؤلفه‌های امنیت ملی در گفتمان جمهوری اسلامی ایران، حکومت بر قلوب و نه بر بدن‌ها و اعمال بیرونی است. به همین دلیل امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران به لحاظ آنکه مرزهای سرزمینی را در می‌نوردد، چالشی برای سازمان‌های بین‌المللی تلقی می‌شود. با این استدلال که سازمان‌های بین‌المللی، دولت مشخص و معین سرزمینی را به عنوان مبنای سیاست‌ورزی در جهان معاصر در نظر می‌گیرد. به بیان امام خمینی (ره) که می‌فرمایند: «مسلمین اگر بخواهند موفق بشوند و از زیر تعهدهای اجانب و سلطه آن‌ها بیرون بیایند، حکومت‌های آنها باید کوشش کنند که قلوب ملت خودشان را به دست بیاورند. حکومت بر قلوب، یک حکومت شیرین است به خلاف حکومت بر ایران که قلوب با آن‌ها نباشد» (امام خمینی، ج ۱۴، صص ۱۸۱-۱۷۹). این مؤلفه نشانگر دخالت در امور داخلی سایر کشورها نیست، بلکه به معنای شکل «انسانی» و قرائت فراگیر از امنیت است که توسط امام خمینی (ره) بیان شده است. شکل عینی این مسأله در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در قالب امنیت انسانی مطرح شده است. در هر صورت می‌توان دو رویکرد مختلف را در ارتباط با اعمال سازمان‌های بین‌المللی در دوره پس از انقلاب اسلامی مشاهده نمود:

الف. پذیرش محدود و انتقاد از سازمان‌های بین‌المللی

پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل ماهیت استکبارستیزی آن، رویکرد انتقادی و آمیخته با بدبینی نسبت به سازمان‌های بین‌المللی را در پیش گرفته بود. در این رویکرد همواره بر ماهیت استکباری سازمان ملل تأکید می‌شد (کریمی، ۱۳۸۵). این نگرش بدبینانه عمدتاً ناشی از

جنگ ایران و عراق بود. زیرا مواضع ناعادلانه و همراه با سکوت سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد و نهاد وابسته به آن یعنی شورای امنیت باعث شکل‌گیری رویکرد بدبینانه ایران نسبت به این سازمان‌ها شده بود. شورای امنیت سازمان ملل، فقط در اواخر جنگ یعنی بین سال‌های ۱۹۸۷ و ۱۹۸۸ نقش فعال‌تری در جنگ ایران و عراق ایفا کرد و بسیار دیر هنگام و پس از رنج‌های بشری سنگین و خسارات مادی عظیم اقداماتی را جهت پایان دادن به آن اتخاذ نمود (الکواری، ۱۳۶۷: ۲۸۰).

شورای امنیت با چشم‌پوشی از شدت درگیری و مخاصمه مسلحانه گسترده‌ای که بین ایران و عراق رخ داده بود و با اغماض از این وظیفه خود که می‌بایست در چنین شرایطی مطابق ماده ۴۱ منشور ملل متحد علیه متجاوز اقدام به تحریم‌های اقتصادی و سیاسی و محدودیت ارتباطات و محاصره زمینی، هوایی و دریایی نماید و یا از کشورها بخواهد که در این مسیر حرکت نمایند، از کشورها می‌خواهد که در خصوص جنگ ایران و عراق خویشتنداری نمایند بدون اینکه متجاوز را محکوم نمایند.^۱

رویکرد جمهوری اسلامی ایران به اعمال سازمان‌های بین‌المللی در این دوره نشان می‌دهد که نخبگان سیاسی و مدیران جامعه بر این باور بودند که این اعمال تهدیدی برای امنیت ملی به شمار می‌روند و می‌بایست از تعهد نسبت به رویکردهای اعلامی سازمان‌های بین‌المللی صرف‌نظر کرد و یا حتی در مقابل عملکرد آنان به صراحت ایستاد. همان‌طور که در نگرش امام خمینی (ره) نسبت به کارکرد و اعمال سازمان‌های بین‌المللی می‌توان به دیدگاه ایشان در این دوره اشاره نمود که می‌فرماید: «این مجلس‌های کذا که در دنیا درست شده است و به دست قدرتمندها درست شده است و لهذا حق و تو دارند همه از آن قدرت-مندها، اینها همه بازی است برای بلعیدن ماها، این یک مانور سیاسی است که با آن ماها را اغفال کنند و ماها را ببلعند» (موسوی خمینی، ۱۳۵۹: ۱۱۹). بدین ترتیب منافع ملی جمهوری اسلامی ایران از دوره ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸ در ارتباط با اعمال سازمان‌های بین‌المللی بیش از همه بر پایه طرح صدور انقلاب، مخالفت با سازمان‌های بین‌المللی به ویژه سازمان ملل متحد به منزله ابزاری جهت مشروعیت بخشیدن به تصمیمات کشورهای دارای حق و تو (کریمی، ۱۳۸۵: ۱۳۴).

^۱ - بند ۳ قطعنامه ۴۷۹، بند ۵ قطعنامه ۵۱۴، بند ۶ قطعنامه ۵۲۲، بند ۶ قطعنامه ۵۴۰، بند ۳ قطعنامه ۵۵۲، بند ۷ قطعنامه ۵۸۳ و بند ۵

ب. همکاری و تعامل

دوره دوم که می‌توان بر آن نام همکاری و تعامل نام نهاد، منافع ملی ایران را در تعامل با اعمال سازمان‌های بین‌المللی جست‌وجو می‌کرد. هرچند انتقاد از سازمان‌های بین‌المللی و حتی پیدا کردن مدل جایگزین برای آنان از ویژگی‌های مهم بخشی از این دوران محسوب می‌شود. بدین ترتیب، در این دوره نیز ترکیبی از انتقاد و تعامل با سازمان‌های بین‌المللی دیده می‌شود. این دوره به طور مشخص از دوره اول ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی آغاز شده بود. در این دوره منافع ملی به گونه‌ای تعریف می‌شد که تعامل با سازمان‌های بین‌المللی بخش مهمی از فرایند تحقق بخشی به آن در نظر گرفته شده بود. بدین معنا که بهره‌گیری از امکانات سازمان ملل برای بازسازی اقتصادی کشور یکی دیگر از اهداف همکاری و مشارکت ایران در این سازمان و دیگر سازمان‌های تخصصی وابسته به آن بود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۴۲۶). بدین معنا که با پایان جنگ تحمیلی و آغاز دوره سازندگی، دیدگاه عموماً منفی ایران نسبت به سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد تغییر پیدا کرد و جای خود را به تعامل و توجه به سازمان‌های بین‌المللی داد. بدین ترتیب در این دوران این عقیده در میان نخبگان ایرانی حاکم گشت که می‌توان از طریق حقوق بین‌الملل به منافع ملی دست یافت (ملکی و بابایی، ۱۳۹۱: ۱۶۸). در این رویکرد دستیابی به منافع ملی از طریق احترام قائل شدن به اعمال سازمان‌های بین‌المللی و تعامل با آنان حاصل می‌شود.

دوره‌های بعدی و پس از سپری شدن دوره سازندگی، بحث گفت‌وگوی تمدن‌ها مطرح شد و این رویکرد را در پیش گرفته شد که منافع ملی از طریق احترام به قواعد بین‌المللی و همچنین همسویی با مواضع این سازمان‌ها از جمله سازمان ملل متحد قابل حصول است. بنابراین در این رویکرد، گسترش مردمسالاری فراتر از سطح ملت‌ها و کشورها قرار دارد و در عرصه بین‌المللی نیز باید جامعه مدنی جهانی که اعضای آن دولت‌ها و ملت‌ها هستند، تحقق پیدا کند. بنابراین اعمال سازمان‌های بین‌المللی می‌بایست به نحوی باشد که زمینه‌ها را برای گفت‌وگو میان دولت‌ها و ملت‌ها به شکل قابل توجهی گسترش دهد. بدین ترتیب، راه‌حل مسالمت‌آمیز اختلافات اصلی اساسی برای دستیابی به منافع ملی است (بابایی مهر و اسماعیل نسب، ۱۳۹۳: ۱۸۸). از منظر رویکرد مبتنی بر گفت‌وگوی تمدن‌ها، منافع ملی از طریق گفت‌وگو و بدون خشونت و یا برانداختن سازمان‌های بین‌المللی و مهم‌تر از همه همسویی با اعمال سازمان‌های بین‌المللی قابل حصول است.

اما رویکرد دیگری نیز پس از دوره مبتنی بر گفت‌وگو پدید آمد که در عین مطرح کردن انتقادات رادیکال بر علیه سازمان‌های بین‌المللی خواستار طرحی برای جایگزین این نهادها و سازمان‌ها بوده است که منشأ ظلم و ستم علیه ملت‌ها شناخته می‌شد. رویکرد جدید درباره دنیای خارج و از جمله نهادها و سازمان‌های بین‌المللی بر چند پایه استوار بود، نخستین پایه، اندیشه بازگشت به اصول انقلابی بود. مسئولان سیاست خارجی ایران در این دوره، ساختار فعلی نظام بین‌المللی را ناعادلانه می‌دانستند و خواستار تغییر بنیادی در آن بودند. این رویکرد جدید از ترکیب سازمان ملل انتقاد کرده و خواستار تغییر در آن بود (Europa Site, 2009). همچنین هویت اسلامی-انقلابی جمهوری اسلامی ایران در گفتمان انتقادی و حتی برانداز [نسبت به نهادهای بین‌المللی]، منافع و اهداف ملی آن را تعریف می‌کند و بنیان اصلی نظام سیاسی ایران بر اساس اسلامیت، اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی، و ایرانیت به عنوان ام القرا شکل گرفته است. بر این اساس، اهداف ملی نیز متأثر از آرمان‌های اسلامی و انقلابی ایران تعریف و تعیین می‌شود.

سرانجام رویکرد متأخری که در تاریخ جمهوری اسلامی ایران پدید آمده است، مبتنی بر تعامل سازنده با سازمان‌های بین‌المللی و حتی پیروی از اعمال این نهادها می‌باشد. به گونه‌ای که پیوستن به مذاکرات و تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی از نظر این رویکرد می‌تواند حامی منافع ملی در نظر گرفته شود. از منظر این رویکرد، منافع ملی هنگامی قابل حصول است که اولاً، بتواند ترس و تصورات درباره ایران را از بین ببرد و دوم اینکه زمینه را برای پیوستن ایران به نهادهای بین‌المللی و حرکت در چارچوب توافقات و تعهدات بین‌المللی فراهم سازد. چنانچه مدافعان این رویکرد بیان می‌کنند: «گفتمان‌های تبلیغاتی و بی‌اساس دین ستیزانه، اسلام‌هراسانه، شیعه‌هراسانه و ایران‌هراسانه به واقع تهدیدی جدی علیه ثبات جهانی و امنیت انسانی است. این گفتمان تبلیغاتی، با طرح و القای تهدیدات فرضی و خیالی شکل خطرناکی به خود گرفته است. یکی از این تهدیدات خیالی، خطر موهوم ایران است. به بهانه این تهدید موهوم، چه اقدامات ناهنجار و چه جنایت‌ها، در سه دهه گذشته صورت نگرفته است؟ تسلیح صدام حسین به سلاح‌های شیمیایی و حمایت طالبان تنها نمونه‌ای از این جنایت‌هاست. صریحاً و با قاطعیت تمام و با استناد به مدارک و شواهد متقن اعلام می‌دارم که آنهایی که از تهدید ایران دم می‌زنند یا خود تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی‌اند یا به تهدید دامن می‌زنند. ایران نه فقط تهدید نیست، بلکه در آرمان و عمل، پیوسته منادی صلح عادلانه و امنیت همه جانبه بوده است» (روحانی، ۱۳۹۲/۷/۳). بنابراین رویکرد جدید در

تعامل با نظام و سازمان‌های بین‌المللی درصدد است تا نشان دهد که ثبات در منطقه اهمیت دارد و در حرکت به سوی امنیت همه کشورها باید مشارکت داشته باشند. می‌توان از طریق گفت‌وگوها با افرادی که به آن پایبند هستند گفت‌وگوها را آغاز کنیم (ظریف، ۱۲/۱/۱۳۹۵). بنابراین امنیت ملی در راستای وجود امنیت جهانی برای همگان قابل تصور است. بدین ترتیب تفاوت رویکرد جمهوری اسلامی ایران به مقوله امنیت با مفهوم بین‌المللی و پذیرفته شده آن، از این جهت است که رویکرد انسان‌گرایانه جمهوری اسلامی ایران، مبنایی همگانی و جهانشمول دارد. از این منظر، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اولاً انسان را به مفهوم جهانی به ماهو انسان به رسمیت می‌شناسد؛ هرچند به لحاظ معطوف بودن به چارچوب‌های ملی و کشوری، مفهوم تبعه و هویت شهروندی را نیز مورد توجه قرار داده است. دوماً، در تبیین نسبت میان مردم و دولت، رویکرد و استقلال‌یابی ندارد (پورسعید، ۱۳۸۷: ۵۵۳). بدین ترتیب رویکرد انسان‌گرایانه و جهانی نسبت به مقوله امنیت به خوبی در قانون اساسی نیز متجلی است. مطابق بندهای قانون اساسی، نظام جمهوری اسلامی ایران نظامی است بر پایه ایمان به «کرامت و ارزش والای انسانی آزادی او». همچنین از همه مهم‌تر مطابق اصل یکصد و پنجاه و چهارم؛ «جمهوری اسلامی ایران، سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد».

رویه موجود در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و گفتمان انقلاب اسلامی ایران باعث شده تا اعمال سازمان‌های بین‌المللی بر مبنای گرایش‌های سلطه‌مدار و سکولار، چالشی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ایجاد نماید. به طور مشخص، پیام منشور و اعلامیه جهانی حقوق بشر در قلمرو سیاست و نظام بین‌الملل دارای گرایش‌هایی سکولار و مبتنی بر حقوق عرفی کشورهای غربی است. همچنان که این باور عمومی پذیرفته شده است که نظام بین‌المللی حقوق بشر دارای خاستگاهی غربی است که متأثر از اندیشه‌ها و مکاتب خاص در مقطعی از تاریخ است (کدخدایی و ساعد، ۱۳۹۰: ۵۵). به نظر می‌رسد مسلط بودن چنین رویه‌ای در عرصه نظام بین‌الملل و سازمان‌های بین‌المللی باعث شده تا مواضع تند حقوق بشری نسبت به نظام جمهوری اسلامی ایران بیان شود و از این حیث امنیت ملی را تحت تأثیر قرار دهد. به عنوان مثال، برخی سازمان‌های بین‌المللی و غیردولتی که در ارائه گزارش و آمار در مورد بررسی حقوق بشر کشورهای مختلف فعالیت دارند، نقش مهمی در تهدید جلوه دادن وضعیت حقوق بشر در ایران و همچنین ایجاد چالش برای امنیت ملی

جمهوری اسلامی ایران ایفا می‌کنند. به‌عنوان مثال، یکی از این نهادها، سازمان گزارشگران بدون مرز است که در سال ۲۰۱۵، جمهوری اسلامی ایران را به لحاظ آزادی مطبوعات در میان ۱۸۰ کشور دنیا در رده ۱۷۳ قرار داده است (Reporters without Borders, 2015). به نظر می‌رسد وجود چنین رویه‌هایی در نزد سازمان‌های رسمی بین‌المللی نظیر شورای امنیت و حتی ارکان سازمان ملل باعث شده تا چالش‌هایی از بُعد خارجی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران پدید آید.

به نظر می‌رسد که برای مقابله و حتی خنثی نمودن چالش‌های اعمال سازمان‌های بین‌المللی نیازمند بهره‌گیری همزمان از عناصر «سخت» و «نرم» هستیم. در عرصه سخت می‌توان به توان نظامی و اطلاعاتی کشور در عرصه‌های مختلف اشاره نمود. از حیث توانمندی سخت، راهکاری که برای مقابله با تهدیدات و چالش‌های بین‌المللی ناشی از اعمال سازمان‌های بین‌المللی دیده می‌شود، تقویت توان نظامی و اطلاعاتی کشور است. بدین معنا که همچنان، تقویت نظامی و دفاعی، مهم‌ترین معیار برای تخصیص سرمایه‌های انسانی و مالی جهت مقابله با تهدیدات است (بختیاری و صالح‌نیا، ۱۳۹۷: ۲۰۲). همچنین در بعد نرم نیز راهکاری که در زمینه کاهش فشارها و چالش‌های اعمال سازمان‌های بین‌المللی دنبال می‌شود، بهره‌گیری از نوعی دیپلماسی عمومی است. دیپلماسی عمومی بدین معنا که درصدد ایجاد راهبرد ارتباطی ویژه و هدفمندی باشیم که بر نتایج کوتاه مدت و بلندمدت تأکید نماید و تصویر مثبتی از کشور در نزد افکار عمومی دیگران ایجاد نماید (سلطانی‌نژاد و داوند، ۱۳۹۷: ۵۱).

۴- نتیجه‌گیری

بر مبنای اعمال سازمان‌های بین‌المللی، قواعد و قوانین مندرج در آموزه‌های سازمان‌های بین‌المللی هم می‌تواند چالشی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از حیث خارجی گردد و هم اینکه مسئولیت‌پذیری را از دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی سلب نماید. بر همین اساس، راه‌های متعددی برای غلبه بر چالش‌های اعمال سازمان‌های بین‌المللی وجود دارد که از حیث سخت و نرم می‌تواند شامل تقویت توان نظامی و اقتصادی کشور و مصون‌سازی در برابر تهدیدات و چالش‌ها و همچنین بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی در فضای گفت‌وگوی جهانی است. آنچه باعث چالش تلقی نمودن اعمال سازمان‌های بین‌المللی برای امنیت ملی ج.ا.ایران شده است، تعاریف متفاوت و حتی متعارض طرفین از حقوق انسانی، امنیت ملی و مسئولیت‌پذیری در عرصه‌های مختلف است. رویکرد انسانی و اسلامی که

به‌عنوان هدف مشخص امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران بیان می‌شود، در پاره‌ای از مواقع باعث تقابل با رویه‌های موجود در نزد سازمان‌های بین‌المللی اعم از رسمی و غیررسمی می‌گردد. علاوه بر توجه به ابعاد سخت و نرم در راستای تقویت و افزایش امنیت ملی، یکی از شیوه‌های اصلی تقویت نظام حقوقی بین‌المللی مسدود ساختن راه‌گریز از مسئولیت است. رویکردهای مختلفی در ارتباط با اعمال سازمان‌های بین‌المللی و امنیت ملی مطرح شده است که طیفی از رفتارهای ستیزه‌جویانه، همکاری، انتقاد و همکاری را در بر می‌گیرد. بر همین اساس می‌توان گفت همچنان درک جامعی از امنیت ملی بر پایه اعمال سازمان‌های بین‌المللی در دوران پس از انقلاب شکل نگرفته است و غالباً رویکردهای مختلف پس از روی کار آمدن دولت‌ها تغییرات قابل توجهی به خود می‌گیرد. این تغییرات حتی می‌تواند امنیت ملی را دچار ابهام معنایی و هم‌عملی نماید و در پاره‌ای از مواقع نادیده بگیرد. علاوه بر این، در جهت جلوگیری از سوءاستفاده دولت‌ها از خلأهای موجود در طرح مواد مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی (۲۰۱۱)، لازم است موارد دیگری نیز به مصادیق رفتارهای مندرج در مواد ۵۸ تا ۶۱ طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی گنجانده شود؛ به‌عنوان مثال با توجه به اینکه طرح مذکور، وضعیت‌هایی را که در آن‌ها یک دولت با ترغیب یک سازمان بین‌المللی به ارتکاب عمل متخلفانه، موجب تحقق مسئولیت سازمان بین‌المللی می‌شود، مسکوت گذاشته است، ضروری است تا طرح مواد مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی به گونه‌ای اصلاح شود که دولت‌ها نتوانند با توسل به چنین نارسایی‌های قانونی از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند و امنیت ملی سایر کشورها را با مخاطره روبرو سازند.

منابع و مآخذ:

- ملکی، مصطفی، بابایی، مجتبی (۱۳۹۱)، روابط ایران و سازمان ملل پس از پیروزی انقلاب اسلامی، **فصلنامه روابط بین الملل**، شماره ۱۸، صص ۱۸۰۱-۵۶.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۵۹)، **صحیفه نور**، جلد ۱۲. -سایت‌های خبری:
- روحانی، حسن (۱۳۹۲)، **اولین سخنرانی حسن روحانی در سازمان ملل متحد**، ۳ مهر ۱۳۹۲. قابل بازیابی در سایت زیر: <http://www.president.ir/fa/71572>
- ظریف، محمدجواد (۱۳۹۵)، **سخنرانی در سایت سازمان ملل متحد**، <http://fa.alalam.ir/news/1927378>.
- Aust, P. H. (2011), *Complicity and the Law of State Responsibility*, Cambridge University Press.
- Esman, Miton J (2004) An Introduction to Ethnic Conflict, Cambridge: Polity Press.
- Forsyth, David P. (2000), *Human Right and Comparative Foreign Policy Foundations of Peace*, Paris: United Nations University.
- Edvard Hambro (1950). "The Jurisdiction of the international court of justice", RCADI, 1950, I, vol, 79.
- Gaja, Giorgio (2004), RESPONSIBILITY OF INTERNATIONAL ORGANIZATIONS, [Agenda item 4], DOCUMENT A/CN.4/610, Seventh report on responsibility of international organizations, by Mr. Giorgio Gaja, Special Rapporteur.
- Gaja, Giorgio (2003), First Report on Responsibility of International Organizations, by Giorgio Gaja, International Law Commission, A/ CN.4/532, 26 March 2003
- Lanovoy, V (2014)., "Complicity in an Internationally Wrongful Act", in A. Nollkaemper and I. Plakokefalos, **Principles of Shared Responsibility in International Law: An Appraisal of the State of the Art**, Cambridge University Press, pp. 134-168.
- U.S. Diplomatic and Consular Staff in Tehran (U.S. v. Iran) (1980), ICJ Reports, pp. 3, 35.
- Stumer, Andrew (2007), "Liability of Member States for Acts of International Organizations: Reconsidering the Policy Objections", *Harvard International Law Journal*, Vol. 48, 2007, PP. 553- 580.
- بابایی مهر، علی، اسماعیل‌نوب، حسین (۱۳۹۳)، نقش گفت‌وگوی تمدن‌ها در ارتقای حقوق بشر و گسترش صلح، **فصلنامه مطالعات بین‌المللی**، سال یازدهم، شماره ۴، صص ۱۹۵-۱۷۳.
- بختیاری، حسین، صالح‌نیا، علی (۱۳۹۷)، اولویت بندی تهدیدات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP)، **فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی**، دوره ۸، شماره ۲۷، صص ۲۷۸-۲۵۵.
- پور احمدی، حسین، معتمدی امین، حسین (۱۳۹۴)، جایگاه سازمان ملل متحد در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی**، سال پنجم، شماره ۳۸، صص ۴۹-۹.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، جان پرور، محسن، مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۹)، تأثیر جهانی شدن بر ماهیت مرزها، **فصلنامه برنامه ریزی و آمایش فضا**، شماره سوم، پاییز ۸۹، صص ۵۵-۳۷.
- حدادی، مهدی، ستایش‌پور، محمد (۱۳۹۷)، تسهیم مسؤلیت بین‌الملل دولت‌ها ناشی از عمل دولت دیگر با سازمان بین‌المللی، **مجله دولت پژوهی**، دوره ۴، شماره ۱۴، صص ۱۸۲-۱۴۹.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۹)، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: نشر سمت.
- سلطانی نژاد، احمد، داوند، محمد (۱۳۹۷)، راهکارهای کاهش تهدیدات سازمان‌های غیردولتی حقوق بشری علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات، **فصلنامه سیاست**، دوره ۴۸، شماره ۱، صص ۵۷-۳۹.
- عزیزی، ستاره، کریمی، سیامک (۱۳۹۵)، «مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی ناشی از کمک یا مساعدت با تأکید بر قضیه کاربرد مهمات خوشه‌ای در یمین»، **فصلنامه پژوهش حقوق عمومی**، ش ۵۱، تابستان ۱۳۹۵، صص ۱۰۹-۱۳۴.
- عیدی‌پور، رستم، بصیری، محمدعلی، یزدانی، عنایت‌الله (۱۳۹۶)، تحلیل مبانی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در پرتو مؤلفه قدرت نرم افزاری، **جستارهای سیاسی معاصر**، سال هشتم، شماره اول، صص ۱۳۷-۱۱۷.
- کدخدایی، عباسعلی، ساعد، نادر (۱۳۹۰)، نظام بین‌المللی حقوق بشر و جنگ نرم، **راهبرد فرهنگ**، شماره شانزدهم، صص ۷۷-۵۵.
- کریمی، غلامرضا (۱۳۸۵)، جمهوری اسلامی ایران و سازمان‌های بین‌المللی، **مجله علوم سیاسی**، سال نهم، شماره سی و ششم، صص ۱۶۱-۱۲۶.
- الکوار، حمد (۱۳۶۷)، **عملکرد شورای امنیت در جنگ عراق و ایران**، ترجمه محمد علی عسگری، تهران: انتشارات دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین.
- متقی، ابراهیم (۱۳۸۹)، گونه‌شناسی تهدیدهای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، **آفاق امنیت**، دوره جدید، سال سوم، شماره هشتم، صص ۲۹-۵.